

گزارشی کوتاه از وضعیت کارگران کارخانه ریسندگی رحیم زاده اصفهان

۱۰ ماه از تعطیل شدن کارخانه ی ریسندگی رحیم زاده اصفهان می گذرد و حقوق معوقه ی کارگران آن در این مدت پرداخت نگردیده. در طول این ۱۰ ماه نه رؤسای کارخانه ، نه اولیاء و مسئولین اداره کار اصفهان ، نه استانداری شهر و نه رییس جمهور هیچ یک پاسخ قانع کننده ای به ۲۸۰ کارگر بیکار شده این کارخانه (که ۴۰ نفر از آنان را کارگران زن تشکیل می دهند) نداده اند.

در این راستا و در طول این مدت کارگران کارخانه رحیم زاده دهها بار دست به تجمع و تظاهرات اعتراضی زده اند و در برابر درب کارخانه و ادارات دولتی تجمع نموده اند که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- ۱۴ اسفند ۱۳۸۴: بستن خیابان امام خمینی و تظاهرات در این خیابان . کارگران پلاکاردهایی با این مضامین به دست داشتند که «چهار ماه است حقوق نگرفته ایم» و «حقم را می خواهیم» در اثر این تجمع «فورا» نیروهای انتظامی در محل حاضر شدند.
- ۲- ۷ و ۸ و ۹ اسفند: ۱۳۸۴: بستن جاده اصفهان تهران که با آتش زدن لاستیک همراه بود.
- ۳- ۹ اردیبهشت ۱۳۸۵: تجمع در برابر کارخانه
- ۴- ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۵ (روز جهانی کارگر): تجمع در برابر کارخانه که مورد هجوم و ضرب و شتم نیروهای انتظامی قرار گرفت.
- ۵- ۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۵: تجمع در برابر استانداری اصفهان
- ۶- ۲۵ شهریور ۱۳۸۵: تجمع در برابر استانداری اصفهان . در این تجمع کارگران معترض پلاکاردهایی با این مضمون حمل می کردند: «مسئولین استان ، ما کارگران کارخانه رحیم زاده ۹ ماه است که حقوق طلبکاریم و بلا تکلیفیم» در این تجمع ۵ نفر از نمایندگان کارگران به داخل استانداری رفتند. مسئولین به آنها وعده های دادند که تا کنون هرگز عملی نشده است.

وتجمعات دیگری...

این در حالی است که به گفته ی سایت اینترنتی جبهه مشارکت شاخه ی اصفهان (از قول کارگران) ۱۲۵ هزار متر مربع از زمین های مرغوب کارخانه به فروش رفته است ولی حتی یک ریال به کارگران بابت حقوق و مطالباتشان پرداخت نشده است . حتی گفته میشود قرار بوده ۱/۵ میلیارد تومان از اعتبارات دولتی به کارخانه وام پرداخت گردد (جهت تهیه مواد خام و پرداخت مطالبات کارگران) اما هیچ اعتباری به کارخانه تعلق نگرفت.

به راستی بر سر کارگران کارخانه ی ریسندگی رحیم زاده و خانواده هایشان چه خواهد آمد؟ آیا برای صاحبان کارخانه فرقی هم میکند که این کارگران در طول این ۱۰ ماه چگونه زندگی کرده اند (بخوانید چگونه زنده مانده اند)؟

رحیم زاده از کارخانه های قدیمی نساجی در اصفهان است. کارخانه ای که در سالهای دهه ی ۳۰ خورشیدی کارگزارانش از پیشگامان دلیر و رزمنده ی جنبش کارگری بوده اند. کارخانه ای که کارگران مبارز و پیشرو و رزمنده ای چون «یدالله نصری»، «کریم نصری» و «امیر آجو» را به خود دیده است. شاید اگر سنگ فرشهای خیابان های عباس آباد و چهار باغ اصفهان زبان داشتند برای همگان از مبارزات و تجمعات کارگران این کارخانه در سالهای ۱۳۲۰-۱۳۳۰ سخن میگفتند، از روز ۲۴ فروردین ۱۳۳۰ که کارگران این کارخانه در حمایت از کارگران خوزستان به پا خواستند و چون سیل در این خیابانها جاری شدند . روزی که استخوان فقرات سرمایه داری از قدرت اتحاد طبقاتی طبقه کارگر لرزید . اما امروز کارگران این کارخانه تنها و زخم دیده از نظام سرمایه داری هستند. امروز نوک پیکان تیز

سرمایه داری به سوی آنها نشانه رفته است. بدون شک نه کارخانه داران نه اداره ی کار و نه هیچ ارگان ریز و درشت سرمایه داری به این زحمتکشان شریف پاسخ نخواهد داد. کارگران این کارخانه به همان سرنوشتی دچار شده اند که کارگران شهرضای جدید، بافناز و قدس... و تنها پاسخ عملی که دریافت می کنند باطوم و گاز اشگ آور است. امروز تقریباً همه ی کارگران اخراجی و تجدید قرار داد نشده ، می دانند که باعث و بانی اصلی فلاکت و بدبختی شان سرمایه داری است . سرمایه گلوی زحمتکشان را می فشارد زیرا در پی سود بیشتر است. تنها راه حل برای کارگران اتحاد است . کارگران بیکار شده ی کارخانه های نساجی در اصفهان چاره ای جز یکی شدن و ایجاد تشکل مستقل خود را ندارند تا بتوانند خواستهای خود را به سرمایه داری تحمیل کنند.

پس کارگران بیابیم علیه سرمایه متشکل شویم.

" کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری "

۱۳۸۵/۸/۷

www.komiteyehamahangi.com

komiteye_hamahangi@yahoo.com